

سرمایه‌گذاری فقط مالی نیست



حمزه نوذری

جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

وقتی از سرمایه‌گذاری سخن گفته می‌شود، اغلب به عنوان یک مفهوم یا عمل مادی و اقتصادی مطرح می‌شود؛ به این معنا که از مصرف فعلی صرف‌نظر‌کردن و دارایی را برای کسب مازاد مالی بیشتر در آینده هزینه‌کردن. از این منظر، سرمایه‌گذاری عملی است برای منفعت اقتصادی و بهره‌وری مادی با محاسبه آگاهانه و عقلانی. به عبارت بهتر سرمایه‌گذاری عملی است مختص میدان اقتصادی که بازیگران این میدان برای کسب منفعت مادی در معامله و رقابت هستند. اما این تعریفی تنگ‌دانه و محدود از سرمایه‌گذاری است. از نظر بورديو، جامعه‌شناس معروف فرانسوی، سرمایه‌گذاری یعنی جذب چیزی شدن، چیزی را شایسته شرکت یافتن، امری را جذاب دیدن و علاقه‌مندشدن به آن، بودن در آن، شایستگی دنبال‌کردن و وقت‌داشتن برای چیزی. عدم سرمایه‌گذاری یعنی بی‌تفاوتی به چیزها به گونه‌ای که بودن و نبودن آن توفیری نمی‌کند، همه چیز مساوی‌بودن، نداشتن دلبستگی و نه‌فقط نداشتن نفع مالی. سرمایه‌گذاری یعنی چیزها آن‌قدر مهم هستند که حاضرید برایشان وقت و انرژی بگذارید. به قول بورديو، شاید بتوان از دو نوع سرمایه‌گذاری سخن گفت: سرمایه‌گذاری روحی از نوع شور و شوق و سرمایه‌گذاری مالی. دغدغه و مایه‌داشتن برای چیزی نه‌فقط برای کسب مازاد مالی بلکه برای یافتن شور و اشتیاق نوعی سرمایه‌گذاری است. وقتی در شبکه‌های اجتماعی مجازی کسی، نوشته‌ای یا کلیپی را دنبال می‌کند، دوست دارد و به اصطلاح لایک می‌کند، یعنی وقت گذاشته و برایش مهم بوده و برای هر دو طرف نوعی سرمایه‌گذاری است؛ شور و شوق و لحظات خوش برای یکی و منفعت مالی برای فرد دیگری. در بازی فوتبال گفته می‌شود بزرگ‌ترین سرمایه تماشگران هستند یعنی کسانی که بازی را شایسته دنبال‌کردن می‌دانند، وقت می‌گذارند و دغدغه دارند، سرمایه باشگاه هستند. در مثال دیگری، می‌توان تصور کرد جوانی در عرصه فوتبال یا تئاتر با شور و شوق تمرین می‌کند، با انگیزه است، شکست‌ها برایش دردناک و بردها لذت‌بخش است؛ این یعنی این جوان روحش را درگیر تئاتر یا فوتبال کرده است. باور دارد فوتبال یا تئاتر ارزشش را دارد و خود را با قواعد آن وفق داده است و آینده خودش را در این عرصه دنبال می‌کند. این با کسی که فوتبال یا تئاتر را فقط برای پول دنبال می‌کند اما به بازی باور ندارد، متفاوت است. وقتی درگیر چیزهایی می‌شویم که برای ما مهم هستند و آنها را شایسته توجه و دنبال‌کردن می‌دانیم و به اصطلاح برایشان معنادار هستند، در حقیقت وارد بازی می‌شویم؛ نه ضرورتا برای اینکه نفعی مادی ببریم بلکه نوعی حیات در آن می‌بینم، نوعی زندگی به معنای اشتیاق. به اصطلاح بی‌طمع هستیم اما بی‌تفاوت خیر، بلکه شورمندی داریم و حاضریم برای آن وقت و انرژی بگذاریم. خلاصه اینکه، دغدغه‌مندی و اشتغال خاطر به چیزها نوعی سرمایه‌گذاری است. به عنوان مثال، نظام آموزشی در مدارس تلاش می‌کند دانش‌آموزان را نسبت به چیزهایی دغدغه‌مند کند و می‌کوشد چیزهایی را برای آنها بااهمیت و اشتیاق تلقی کند، انگیزه‌هایی ایجاد کند تا آنها وارد عرصه‌های خاصی شوند تا به این وسیله برای حمایت از نظم مستقر سرمایه‌گذاری کنند. هرچند دغدغه‌مندی و توجه به چیزها لزوما اهداف اقتصادی ندارد اما می‌تواند جهت اقتصادی داشته باشد؛ یعنی هرچند آگاهانه و با طرح و نقشه قبلی دارای اهداف مالی نبوده اما می‌تواند نتایج مالی و مادی داشته باشد که امروزه به آن اقتصاد توجه گفته می‌شود. بورديو در کتاب نظریه کنش می‌گوید آنچه افراد را در حوزه علم یا هنر به تکاپو و رقابت وای می‌دارد، همان چیزی نیست که افراد را در حوزه اقتصاد به تکاپو و رقابت وای می‌دارد. پس اشکال متفاوت سرمایه‌گذاری در عرصه‌های مختلف وجود دارد که قابل تقلیل به سرمایه‌گذاری مالی نیست. وقتی از رفع موانع برای سرمایه‌گذاری سخن گفته می‌شود، متوجه باشیم که سرمایه‌گذاری فقط مالی و اقتصادی نیست و دیدگاهی هم به رفع موانع شور و اشتیاق در جامعه داشته باشیم.

دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۴
۱۴ ذی‌القعدة ۱۴۴۶
۱۲ می ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۱۰۷
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



سفر نخست‌وزیر از یکستان به تهران و توسعه همکاری‌های دوجانبه

پیوندی راهبردی در چهارراه تاریخ و تجارت

۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: ارسلان کاظمی، کاپیتان ملی‌پوش تیم قهرمان لیگ برتر بسکتبال در گفت‌وگو با «شرق»: دست‌بوس هواداران گرگانی هستیم • دست برتر ایران با محوریت ریاض در چشم‌انداز منطقه‌ای ترامپ

لایحه پرحاشیه شهرداری برای سرمایه‌گذاری در تولید، زیر ذره‌بین شورا

روّیای طلایی زاکانی در وقت اضافه

گزارش تیتربیک را در صفحه ۶ بخوانید



از تنش تا تفاهم نسبی؛ زمان دور پنجم مذاکرات را عمان اعلام خواهد کرد

دیپلماسی بار دیگر جان گرفت

عراقچی: مذاکرات دور چهارم صریح‌تر و جدی‌تر بود / مقامات آمریکایی: مذاکرات دلگرم‌کننده بود

یک قاب تجربه

بنیاد ایران‌شناسی و مسئولیت‌های پیش‌رو



جلیل سازگارنژاد

رئیس‌جمهور خاتمی و طرح گفت‌وگوی تمدن‌ها در سال ۲۰۰۱ میلادی موجب شناختی متفاوت و ممتاز از ایران در جهان شد. بازآفرینی و غبارروبی از چهره فرهنگی و تمدنی و بازمعرفی آن در داخل و خارج از کشور ضرورتی بایسته و نیازی مبرم و فوری است. واقعیت این است که تکرار واژگانی مانند هسته‌ای، امنیتی، نظامی، تحریم و... در ۲۰ سال سپری‌شده در رسانه‌های داخلی و جهان از کشور موجب شده است که نسل جوان ایران به‌ویژه متولدان دهه ۸۰ به بعد با هویت ایرانی خود و فرهنگ غنی و انسان‌ساز آن فاصله بگیرند که می‌تواند به بحران هویت برای این نسل تبدیل شود. در این‌میان بنیاد ایران‌شناسی به‌عنوان شایسته‌ترین و اصلی‌ترین نهاد برای معرفی ایران و ایرانی به نسل امروز و افکار عمومی جهانیان مسئولیتی خطیر و سترگ برعهده دارد. پس از دوران کوتاه ریاست دانشمند والا مقام، زنده‌یاد دکتر حسن حبیبی و

گام‌های مؤثری که ایشان برداشتند، چند صبا‌حی است که بنیاد یادشده تحت تأثیر همان گفتمان رایج نتوانسته نقش سازنده‌ای در رسالت و مسئولیت خود داشته باشد. اما امروز به یمن حضور دکتر صالحی، شخصیتی ملی و دانشوری برجسته با بهره‌مندی از تجارب درخشان خود در عرصه دیپلماسی و هسته‌ای و اندوخته‌ای فراوان از دانش و معرفت و عشق به ایران در سمت ریاست بنیاد ایران‌شناسی، انتظار می‌رود که با ارتقای جایگاه ملی و بین‌المللی بنیاد و اتخاذ تدابیر، سیاست‌ها و برنامه‌های فاخر و هماهنگ‌سازی دستگاه‌های مسئول در این زمینه در نمایش چهره ایران فرهنگی و تمدنی ایفاي نقش کند. معرفی ایران باید از مدارس و آموزش و پرورش و افزودن بخشی تحت همین عنوان در کتاب‌های درسی آغاز شود. بنیاد می‌تواند با حضور در شورای‌عالی آموزش و پرورش و تأثیرگذاری بر متون ادبیات فارسی یکی از وظایف مهم و ضروری و تاریخی خود را انجام دهد. فعال‌سازی دیپلماسی فرهنگی، همگام با دیپلماسی سیاسی و فرصت‌آفرینی برای نهاده‌ها و انجمن‌ها و مؤسسات فرهنگی و هنری غیردولتی از جمله رفت‌وآمدهای فرهنگی، برگزاری جشنواره‌ها، نشست‌ها، هم‌اندیشی‌های مشترک با کشورهای فارسی‌زبان و دیگر کشورهای علاقه‌مند به فرهنگ و هنر ایرانی، نمونه‌هایی اندک از ظرفیت گسترده برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که می‌تواند در دستور کار بنیاد قرار گیرد.

ادامه‌در صفحه ۵

یادداشت

در حاشیه درگذشت یک فرهنگی شریف در بیجار گروس



احسان هوشمند

ایعادی از مسائل پیچیده کشور در بخش انرژی هویدا شد و به قطعی مکرر برق انجامید، متأسفانه قطعی برق جدا از ایجاد اختلالات گسترده در زندگی روزمره شهروندان در جای جای ایران موجب برخی صنایعات جبران‌ناپذیر هم شد.

زندگی امروزی بشر تا حدی زیادی به جریان الکتریسیته یا برق وابسته است. قطعی برق در این روزها ابعادی از وابستگی زندگی روزمره شهروندان به برق را نشان داد. قطعی برق منجر به قطع چراغ‌های راهنمایی و رانندگی سر چهارراه‌ها و تقاطع‌ها شده و نظم رانندگی را دچار مسئله کرده و ترافیک سنگینی نیز ایجاد می‌کند. قطع برق موجب خاموشی دستگاه‌های سرمایشی شده و مشکلاتی برای شهروندان ایجاد می‌کند. همچنین موجب قطع اینترنت شده و دسترسی شهروندان به اینترنت را محدود می‌کند و در نتیجه بسیاری از کسب‌وکارها با مشکل مواجه می‌شوند. قطع برق موجب شده که شهروندان ساکن یا شاغل در آپارتمان‌ها برای ساعاتی امکان استفاده از آسانسور را نداشته باشند و برای بسیاری به ویژه در آپارتمان‌های بلندمرتبه رفت‌وآمد از پله‌ها مشکلاتی ایجاد کند. در این شرایط کسانی که بی‌کارند یا سن بالایی دارند، با مشکلات دوجندانی دست به گریبان می‌شوند. با قطع برق بسیاری از کسبه از جمله مکانیکی‌های خودرو دچار مشکل می‌شوند و کاسبی‌شان قطع می‌شود و به همین ترتیب دیگر کسبه نیز با

یادداشت

چرا مانده‌ایم در زمان؟



مجید رضایان

استاد دانشگاه و پژوهشگر ژورنالیسم

یکم) خروشچف و جریان «رویزونیست‌ها یا تجدیدنظرطلبان» در حزب کمونیست شوروی سابق، داستان خاص خود را دارند. یادم نمی‌رود که در مرکز مطالعات استراتژیک روسیه در مسکو -سال ۲۰۱۰- با یکی از استادان آن مرکز گفت‌وگویی داشتم و او به شدت ناراحت شد. وقتی گفتم: «ایده گلاس نوست و پروستریاک گورباچف» عملاً ریشه در دهه ۶۰ میلادی و رویزونیست‌ها دارد. چرا ناراحت شد؟ به گمانم چون بر این باور بود که پدیده گورباچف بیشتر یک خیانت بود تا تجدیدنظرطلبی در اصول وفروع مارکسیسم. با این همه، وقتی این توضیح را دادم که از قضا نگاه ما دانشگاهیان ایرانی در رشته ارتباطات به تجدیدنظرطلبی منفی نیست، قدری آرام‌تر شد. بر این سابق، خواستم بگویم جایی را در جهان دیده‌اید که تجدیدنظرطلبی را رد کنند یا آن را مذموم بدانند؟ اتفاقاً آن را یک «شجاعت فکری» و «جسارت عملی» در عرصه سیاست، فرهنگ، اقتصاد و امنیت می‌دانند؛ درست‌ش نیز همین است، چراکه اساساً تصلب، فخر نیست. دوم) ما از مارکسیست‌ها و در تشکیلات سازمانی از حزب کمونیست متصلب‌تر نداشته‌ایم؛ بماند که جریانات سیاسی ایران بعد از مشروطه، چوب این نوع نگاه متصلب و بسته را کم نخورده‌اند.

ادامه‌در صفحه ۵

دیدار با نویسندگان و مؤلفان انتشارات «کتاب شرق» در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران



ساعت ۱۳: دیدار با **داریوش رحمانیان**، تاریخ‌نگار و امضای کتاب‌های تاریخ دیدمانی و ایران بین دو کودتا



ساعت ۱۰ صبح: دیدار با **پرویز پیران**، جامعه‌شناس و امضای کتاب روایت پرویز پیران از مسئله توسعه در ایران

سه‌شنبه، ۲۳ اردیبهشت

مفتخریم به دوستی و دیدار شما

انتشارات «کتاب شرق» میزبان شماست در نمایشگاه کتاب تهران



راهروی ۱۸ غرفه ۲۰

همکار گرامی جناب آقای علی‌علیخانی

مصیبت وارده را تسلیت می‌گوییم.

از خداوند سبحان برای

آن مرحوم غفران و برای شما و

سایر بازماندگان صبر آرزو مندیم.

روزنامه شرق